

امامت در صحیفه سجادیه

ناصر باقری بیدهندی^۱

سیدرضا هاشمی شاه‌قبادی^۲

چکیده

معارف کتاب صامت الهی، توسط چهارمین قرآن ناطقش در قالبی بایسته‌ی دوران خفقان مروانی به شیعیان عرضه گردید. فرضیه بر آن بود که؛ امامت به عنوان ابتدا و انتهای ایمان راستین، از جمله‌ی بلندترین این معارف است. بازخوانی توصیفی-تحلیلی این معارف با روش کتابخانه‌ای به هدف شناخت ویژگی‌ها و شئون امامت انجامید. در این مسیر؛ آثار شناخت و ایمان به امامت و وظایف مؤمنان به ایشان نیز شناخته شد.

کلیدواژگان

امام سجاده علیه السلام، صحیفه سجادیه، امامت، امام، ضرورت امامت، شئون امام، ویژگی‌های امام.

۱. استادیار جامعه المصطفی العالمیه علیه السلام.

۲. دانش‌پژوه دکتری تاریخ اهل‌بیت جامعه المصطفی العالمیه علیه السلام.
تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۱/۱۲ و تاریخ تایید: ۱۳۹۴/۱/۱۸.

مقدمه

امامت رکن اسلامی و سنجه شناخت تشیع اهل بیت علیهم السلام از دیگر جریان‌های جدا شده از دین است. این اصل به خاطر جایگاه بی‌بدیش و ارتباطش با سیاست و قدرت، از آغاز مورد توجه همه‌گان بوده و هست. نقش امامت در رهبری و مدیریت جامعه در جهت سعادت دنیوی و اخروی، از دو منظر الهی و انسانی و در رابطه بین این دو، معنا می‌یابد. حضرت سجاد علیه السلام که رابطه‌اش با دو سوی این معنا گره خورده است؛ بیان آن را شایسته‌تر از همه، در قالب دعا به جامعه بشری ارائه نموده است.

ضرورت وجود امام

ضرورت وجود امام و تداوم این رشته مبارک و حلقه وصل بین خالق و مخلوق برای راهبری بسوی کمال و شکوفایی دین، بدیهی است. ضرورت امامت جهاتی دیگر نیز دارد، که از دسترس فهم بشر دور بوده و نیاز به بیان وحیانی دارد. فرازی که در پی آمده، بیانگر این ضرورت‌ها است.

«اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَيَّدْتَ دِينَكَ فِي كُلِّ أَوَانٍ بِإِمَامٍ أَقَمْتَهُ عِلْمًا لِعِبَادِكَ، وَ مَنَارًا فِي بِلَادِكَ بَعْدَ أَنْ وَصَلْتَ حَبْلَهُ بِحَبْلِكَ، وَ جَعَلْتَهُ الذَّرِيْعَةَ إِلَى رِضْوَانِكَ، وَ افْتَرَضْتَ طَاعَتَهُ، وَ حَذَرْتَ مَعْصِيَتَهُ، وَ أَمَرْتَ بِامْتِنَالِ أَوْامِرِهِ، وَ الْإِنْتِهَاءِ عِنْدَ نَهْيِهِ، وَ أَلَّا يَتَقَدَّمَهُ مُتَقَدِّمٌ، وَ لَا يَتَأَخَّرَ عَنْهُ مُتَأَخِّرٌ فَهُوَ عِصْمَةُ اللَّائِذِينَ، وَ كَهْفُ الْمُؤْمِنِينَ وَ عُرْوَةُ الْمُتَمَسِّكِينَ، وَ بَهَاءُ الْعَالَمِينَ»^۱

بار خدایا، در هر زمان دین خویش به امامی یاری بخشیده‌ای که او را بر پای داشته‌ای تا علم راهنمای بندگانت شود و در بلاد تو

۱. علی بن الحسین، امام چهارم علیه السلام، الصحیفة السجادیة، دعا ۴۷، «وَ كَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي يَوْمِ عَرَفَةَ»، فراز ۶۰، قم، نشر الهادی، چاپ اول، ۱۳۷۶ ش.

چراغ فروزان هدایت گردد و رشته پیمان او به رشته پیمان خود پیوسته‌ای و او را وسیله خشنودی خود ساخته‌ای و اطاعت او فریضه گردانیده‌ای و مردم را از سرکشی در برابر او بر حذر داشته‌ای و فرمان داده‌ای که به هر چه امر می‌کند اطاعت کنند و از هر چه نهی می‌کند باز ایستند و کس بر او پیشی نگیرد و کس از او واپس نماند و او نگهدار کسانی است که بدو پناه می‌برند و کھف امان مؤمنان است و حلقه اعتصام ایشان است و جلال و جلوه جهانیان است.^۱

امام زین العابدین علیه السلام در بیان قدسی خویش که؛ «اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَيَّدْتَ دِينَكَ فِي كُلِّ أَوَانٍ يَا إِمَامَ أَقَمْتَهُ عِلْمًا لِعِبَادِكَ، وَمَنَارًا فِي بِلَادِكَ» فلسفه ضرورت امام را در نظام اجتماعی و معرفتی بیانگر است. این ضرورت، در نقش صیانت امام از دین خدا و ضرورت وجود هدایت‌گری منسوب به رشته‌ی علم الهی، رخ نموده است. در ادامه امام علیه السلام با این بیان؛ «بَعْدَ أَنْ وَصَلْتَ حَبْلَهُ بِحَبْلِكَ» ضرورت امامت را در اتصال خالق و مخلوق و نزول فیض به سوی خلق، نیازمند وجودی پاک و الهی برمی‌شمارد که شایسته‌ی این ربط و واسطه این فیض باشد.

ضرورت تداوم امامت

حکمت خداوندی بر لزوم تداوم امام چه از منظر تکوین و چه از منظر ضرورت اجتماعی، برای همه دوران‌ها و نسل‌ها تأکید دارد. تا که؛ از سویی رشته اتصال خالق و مخلوق و وسیله نزول فیض از فیاض مطلق باشد؛ «أَنْ وَصَلْتَ حَبْلَهُ بِحَبْلِكَ» و از سویی هدایت و راهبری مردمان را در راه سعادت و کمال دینی و دنیایی، سرپرستی و راهبری نماید. چرا که امام شایسته «كَهْفُ الْمُؤْمِنِينَ وَ عُرْوَةُ الْمُتَمَسِّكِينَ، وَ بَهَاءُ الْعَالَمِينَ» بودن است.

۱. علی بن الحسین، امام چهارم علیه السلام، الصحیفه السجادیة، ترجمه عبدالمحمد آیتی، همان، تهران، سروش، چاپ دوم، ۱۳۷۵ ش.

ویژگی های امام

حال که با ضرورت وجود و تداوم امامت از دیدگاه و بیان امام علی بن الحسین علیه السلام آشنا شدیم؛ ویژگی های این مقام قدسی برای شناخت مدعیان حقیقی این مقام بایسته است. این ویژگی ها را می توان در کلام آن بزرگوار علیه السلام برشمرد.

«رَبِّ صَلِّ عَلَيَّ أَطْيَبِ أَهْلِ بَيْتِهِ الَّذِينَ اخْتَرْتَهُمْ لِأَمْرِكَ، وَ جَعَلْتَهُمْ خَزَنَةَ عِلْمِكَ، وَ حَفَظَةَ دِينِكَ، وَ خُلَفَاءَكَ فِي أَرْضِكَ، وَ حُجَجَكَ عَلَيَّ عِبَادِكَ، وَ طَهَّرْتَهُمْ مِنَ الرَّجْسِ وَ الدَّنَسِ تَطْهِيراً بِإِرَادَتِكَ، وَ جَعَلْتَهُمُ الْوَسِيلَةَ إِلَيْكَ، وَ الْمَسْلُكَ إِلَى جَنَّتِكَ؛ ای پروردگار من، بر اهل بیت طیبین او که آنان را برای قیام به امر خود برگزیده ای و خازنان علم خود و حافظان دین خود و خلفای خود بر روی زمین و حجت های خود بر بندگان قرار داده ای و آنان را به خواست خود از هر ناپاک پاک گردانیده ای و طریق رسیدن به مقام قرب خود و وصول به بهشت ساخته ای، تحیّت و درود بفرست.»^۱

۱. خلیفه الهی

خلافت خدا بر روی زمین و بر مخلوقات خدا، شایسته انسان کامل است. برترین مصداق انسان کامل را نیز می توان در افرادی جست، که خداوند این جایگاه را برای ایشان با بیان هایی که متصل به وحی و پاک از خطاست، تأیید نموده است. امام علیه السلام در این دعای عالی، اهل بیت علیهم السلام را مصادیق حقیقی «خُلَفَاءَكَ فِي أَرْضِكَ»^۲ برمی شمارد.

۱. الصحیفة السجادیة، دعا ۴۷، فراز ۵۶.

۲. همان.

با دقت در این دعا فهمیده می‌شود که؛ امامان اهل بیت علیهم‌السلام علاوه بر رهبری معنوی، در نظام اجتماعی نیز برخوردار از مقام خلافت الهی و رهبری دین و دنیای مردم، هستند.

۲. عصمت امام

«وَ طَهَّرْتَهُمْ مِنَ الرَّجْسِ وَ الدَّنَسِ تَطْهِيراً بِإِرَادَتِكَ»؛ امامان اهل بیت علیهم‌السلام از مرتبه طهارت و عصمت برخوردار بوده و این مقام به اراده الهی صورت گرفته است.

۳. حجت‌های الهی

بیان دین به صورت تمام و کمال توسط امامان صورت گرفته است و ایشان «حُجِّجَكَ عَلَى عِبَادِكَ»^۱ می‌باشند. حجت‌های خداوند بر بندگانش، تمامی بهانه‌ها را برای عیب‌جویی و کجروی‌ها از انسان‌های لجاج و منحرف گرفته است.

۴. علم امام

بیان دین و پاسخگویی و راهبری مردمان در راه سعادت و کمال دنیوی و اخروی، نیاز به دانشی متصل به علم بی‌نهایت الهی دارد، که امامان دارای این مقام علمی هستند.

«اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَنْزَلْتَهُ عَلَى نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ - مُجَمَّلاً، وَ أَلْهَمْتَهُ عِلْمَ عَجَائِبِهِ مُكَمَّلاً، وَ وَرَّثْتَنَا عِلْمَهُ مُفَسَّراً، وَ فَضَّلْتَنَا عَلَى مَنْ جَهِلَ عِلْمَهُ، وَ قَوَّيْتَنَا عَلَيْهِ لِتَرْفَعَنَا فَوْقَ مَنْ لَمْ يُطِيقْ حَمْلَهُ؛ بار خدایا، تو این قرآن را بی‌هیچ شرح و تفسیری، بر پیامبرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرستادی و علم به شگفتی‌هایش را سراسر به او الهام فرمودی، و علم تفسیر آن را به ما به میراث دادی و ما را بر آن کس

که از علم قرآنش بهره‌ای نبود برتری نهادی و ما را به شناخت قرآن توانایی بخشیدی، تا بر کسانی که یارای حمل آن ندارند شرف و برتری دهی.^۱

«اللَّهُمَّ فَكَمَا جَعَلْتَ قُلُوبَنَا لَهُ حَمَلَةً، وَ عَرَفْتَنَا بِرَحْمَتِكَ شَرَفُهُ وَ فَضْلُهُ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ الْخَطِيبِ بِهِ، وَ عَلَى آلِهِ الْخُزَّانِ لَهُ، وَ اجْعَلْنَا مِمَّنْ يَعْتَرَفُ بِأَنَّهُ مِنْ عِنْدِكَ حَتَّى لَا يُعَارِضَنَا الشُّكُّ فِي تَصَدِيقِهِ، وَ لَا يَخْتَلِجَنَا الزَّيْغُ عَنْ قَصْدِ طَرِيقِهِ؛ بار خدایا، هم‌چنان که دل‌های ما را حاملان قرآن ساختی و به رحمت خود شرف و فضیلت آن به ما شناساندی، بر محمد ﷺ که خطیب قرآن است و خاندان او که خازنان علم قرآنند، درود بفرست و ما را در زمره کسانی قرار ده که از سر صدق معترفند که قرآن از نزد تو نازل شده، تا هیچ شک و تردید، با یقین ما معارضه نکند و چون قدم به راه راست قرآن نهادیم هیچ چیز ما را در راه نلغزاند.»^۲

خازنان علم الهی

«وَ وَرَثَتَنَا عِلْمَهُ مُفَسَّرًا»^۳؛ علم تفسیر قرآن از ویژگی و شئون امامت است و این علم به ایشان اختصاص دارد؛ «وَ عَلَى آلِهِ الْخُزَّانِ لَهُ»^۴. «خَزَنَةَ عِلْمِكَ»^۵ این بیان از علم امام و منبع آن که به بیان این دعا از جانب خداست، برای علم امام، ویژگی‌های را برمی‌شمارد مانند؛ الهی بودن، عصمت علم ایشان از خطا، زیرا که از جانب خدایی است که در او خطا و اشتباه راه ندارد و در هدایت و سعادت

۱. همان، دعا ۴۲، «وَ كَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عِنْدَ خَتْمِ الْقُرْآنِ»، فراز ۵.

۲. همان، فراز ۶.

۳. همان، دعا ۴۲، فراز ۵.

۴. همان، فراز ۶.

۵. همان، دعا ۴۷، فراز ۵۶.

بشر نقش دارد و لذا باید با توجه به مبداء علم و غایت آن، باید برکناره از هر گونه خطا و اشتباهی باشد. راه شناخت امام نیز به این واسطه امکان می‌یابد، همانطور که خود امام به آن اشاره نموده‌اند و این ویژگی را مایه قدرت و برتری استدلال حقانیت خویش «وَفَضَّلْتَنَا عَلَى مَنْ جَهَلَ عِلْمَهُ، وَقَوَّيْتَنَا عَلَيْهِ لِتَرْفَعَنَا فَوْقَ مَنْ لَمْ يُطِقْ حَمْلَهُ»^۱ برشمرده‌اند.

۵. انتصاب الهی

«اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا الْمَقَامَ لِخُلَفَائِكَ وَأَصْفِيَائِكَ وَمَوَاضِعِ أَمْنَائِكَ فِي الدَّرَجَةِ الرَّفِيعَةِ الَّتِي اخْتَصَصْتَهُمْ بِهَا....؛ بار خدایا، این جایگاه، جای خلفای تو و برگزیدگان توست. و جایگاه رفیع امینان تو که آنان را بدان اختصاص داده‌ای.»^۲

این که امام در این دعا خلفاء و اصفیاء و امینان را به خدا نسبت داده و اختصاص ایشان به این مقام را نیز از جانب خدا برشمرده است، می‌توان فهمید که؛ مقام ائمه معصومین و امامان حقه در منظومه فکری شیعه، مقامی الهی و بر اساس انتصاب و انتخاب الهی است. از سویی دیگر توجه به خصوصیات چون خلافت الهی، برگزیده و امین بودن، توجه به ویژگی‌هایی است که برای امامت ضروری می‌نماید.

۶. حافظان دین

«حَفَظَةَ دِينِكَ»^۳؛ امامان اهل بیت علیهم‌السلام، پس از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم پاسدار دین و ارزش‌های معنوی هستند.

۱. همان، دعا ۴۲، فراز ۵.

۲. همان، دعا ۴۸، «وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَوْمَ الْأَضْحَى وَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ»، فراز ۹.

۳. همان، دعا ۴۷، فراز ۵۶.

اختصاص ایشان به اقامه امور الهی

«الَّذِينَ اخْتَرْتَهُمْ لِأَمْرِكَ»؛ اختیار و اختصاص ایشان جهت اقامه امور الهی - که تمامی امور دنیوی و اخروی جامعه را که نقش در سعادت و کمال ایشان دارد - با این بیان به عهده امامان نهاده شده است. اوامر الهی را امام سجاد علیه السلام در بیانی دیگر صیانت از کتاب خدا، حدود و شرایع و سنن برشمرده و اقامه و برپایی آن را به واسطه امام دانسته است؛

«وَ أَقِمَّ بِهِ كِتَابَكَ وَ حُدُودَكَ وَ شَرَائِعَكَ وَ سُنَنَ رَسُولِكَ، - صَلَوَاتِكَ اللَّهُمَّ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، وَ أَحْيِي بِهِ مَا أَمَاتَهُ الظَّالِمُونَ مِنْ مَعَالِمِ دِينِكَ، وَ اجْلُ بِهِ صِدَاءَ الْجَوْرِ عَنْ طَرِيقَتِكَ، وَ أَيْنُ بِهِ الضَّرَاءَ مِنْ سَبِيلِكَ، وَ أزلْ بِهِ النَّكَبِينَ عَنْ صِرَاطِكَ، وَ امْحَقْ بِهِ بُغَاةَ قَصْدِكَ عَوَجًا؛ ای خداوند، کتاب خود، حدود و شرایع خود و سنت‌های پیامبر خود را - صلواتک اللهم علیه و آله - بدو بر پای دار و هر چه را ظالمان از معالم دینت می‌رانیده‌اند بدو زنده‌دار و بدو زنگ ستم‌کاران از آیین خویش بزدای و بدو دشواری‌ها از راه خود دور گردان و به نیروی او کسانی را که از راه تو منحرف شده‌اند از میان بردار و آن کسان را که صراط مستقیم تو را راه کج جلوه می‌دهند نابود نمای.»^۱

شئون و وظایف امام

بشرِ درمانده و متحیر بین هواها و تمایلات درونی و بیرونی، نیازمند راهنمایی است که به سوی هدف مطلوب سوقش دهد. راهنمایی که در تمامی امور دینی، اجتماعی، اخلاقی و سیاسی به او مراجعه شود. راهنمایان الهی و امامان حقیقی، با تمامی فضائل و جایگاه‌شان، وظایف و مسؤولیت‌هایی در مقابل انسان‌ها دارند که در ادامه از بیان چهارمین امام علیه السلام آمده است.

۱. همان، دعا ۴۷، فراز ۶۲.

۱. مرجعیت دینی

«وَصَلِّ عَلَيَّ خَيْرَ تَكَلُّمٍ مِنَ خَلْقِكَ: مُحَمَّدٍ وَعِترَتِهِ الصُّفْوَةِ مِنْ بَرِيَّتِكَ الطَّاهِرِينَ، وَاجْعَلْنَا لَهُمْ سَامِعِينَ وَمُطِيعِينَ كَمَا أَمَرْتَ؛ بار خدایا، درود بفرست بر آن برگزیدگان از میان آفریدگانت: محمد و عترت او، آن پاکان و گزیدگان، و چنان که خود فرمان داده‌ای ما را نیوشنده سخن ایشان و فرمان‌بردار حکم ایشان قرار ده.»^۱

مرجعیت دینی، از سوی خداوند حکیم به عالمان و امینان الهی، سپرده شده است. کسانی که از سوی خداوند اختیار شده‌اند؛ «خَيْرَ تَكَلُّمٍ مِنَ خَلْقِكَ». از سوی دیگر، بر مراجعان است که نیوشنده و فرمان‌بردار این مراجع باشند؛ «وَاجْعَلْنَا لَهُمْ سَامِعِينَ وَمُطِيعِينَ كَمَا أَمَرْتَ».

الف) هدایت مردم

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، كَمَا هَدَيْتَنَا بِهِ، وَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، كَمَا اسْتَنْفَذْتَنَا بِهِ، وَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، صَلَاةً تَشْفَعُ لَنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ يَوْمَ الْفَاقَةِ إِلَيْكَ، إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، وَهُوَ عَلَيْكَ يَسِيرٌ؛ بار خدایا، بر محمد و خاندانش درود بفرست آن سان که ما را به سبب او راه هدایت نمودی. بر محمد و خاندانش درود بفرست آن سان که ما را به هدایت او نجات بخشیدی. بر محمد و خاندانش درود بفرست، درودی که در روز بازپسین، روز بینوایی، شفیع ما به نزد تو باشد، که تو بر هر کاری توانایی. و هو علیک یسیر.»^۲

۱. همان، دعا ۳۴، «وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا ابْتُلِيَ أَوْ رَأَى مُبْتَلًى بِفَضِيحَةٍ بَدَنًا»، فراز ۵.
۲. همان، دعا ۳۱، «وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي ذِكْرِ التَّوْبَةِ وَطَلِبِهَا»، فراز ۳۰.

امام سجاد علیه السلام هدایت‌گری را از مراتب مرجعیت دینی برشمرده و آن را از وظایف و کارهای امام می‌داند؛ «کَمَا هَدَيْتَنَا بِهِ»: امام هدایتگر خلق است و بواسطه ایشان ما هدایت یافته‌ایم.

«اللَّهُمَّ وَكَمَا نَصَبْتَ بِهِ مُحَمَّدًا عَلِمًا لِلدَّلَالَةِ عَلَيْكَ، وَ أَنْهَجْتَ بِآلِهِ سُبُلَ الرِّضَا إِلَيْكَ...»؛ ای خداوند، هم‌چنان که محمد را قرآن دادی و او را چون علمی بر افراشتی تا راهنمای خلق به سوی تو باشد و به راهنمایی آل محمد راه‌های خشنودی خویش آشکار ساختی...»^۱.

ب) حراست از دین

پاسداری از ایمان و توحید و تحقق بخشیدن و اجرا نمودن معارف و حقایق دین، از مراتب مرجعیت دینی امام است؛ «حَفَظَةَ دِينِكَ»^۲. این مطلب می‌تواند در حکم تعلیل برای وجوب اطاعت از امام باشد. بدین معنی که ضرورت اطاعت از امام، بدان جهت است که او متصدی اجراء و مسؤول پیاده کردن دین الهی در جامعه می‌باشد.

ج) احیای شریعت و نفی بدعت

علاوه بر نزول فیض و تأثیر امام در هدایت قلوب و نفوس، امامت دارای ابعاد فرهنگی، تربیتی، سیاسی و اجتماعی نیز می‌باشد. امام در متن جامعه و واقعیات حیات انسان و تنظیم روابط عادلانه میان مردم و تبیین شریعت نقش و تأثیر اساسی و مستقیم دارد.

۱. همان، دعا ۴۲، فراز ۸.

۲. همان، دعا ۴۷، فراز ۵۶.

«وَ أَحْيِي بِهِ مَا أَمَاتَهُ الظَّالِمُونَ مِنْ مَعَالِمِ دِينِكَ، وَ اجْلُبْ بِهِ صَدَاءَ
الْجَوْرِ عَنْ طَرِيقَتِكَ، وَ أَيْنُ بِهِ الضَّرَاءَ مِنْ سَبِيلِكَ؛ وَ هِرْجَةَ رَاظِلِ الْمَانِ
از معالم دینت می‌رانیده‌اند بدو زنده دار و بدو زنگ ستم ستمکاران
از آیین خویش بزدای و بدو دشواری‌ها از راه خود دور گردان»^۱

حفظ و حراست خط اصیل شریعت و هدایت در جهت صحیح، افشای
بدعتها و طرد احکام خلاف شرع نیز از بزرگ‌ترین وظایف امام بوده که دیگر آثار
بر آن مترتب است.

د) دفع ظلم و مقابله با منحرفان و طاغیان

مرجعیت دینی، دارای شئون و مراتبی است که مقابله با کسانی که دیگران را
در خطر گمراهی و انحراف از مسیر هدایت قرار می‌دهند، از آنهاست. ظلم
شامل معنوی و دنیوی می‌گردد، اما با توجه به بیان امام سجاد علیه السلام این خطر به
صراط مستقیم الهی نسبت داده شده و بیشتر ناظر به ظلم معنوی و انحراف در
دین است؛

«وَ أزلْ بِهِ النَّاكِبِينَ عَنْ صِرَاطِكَ، وَ امْحَقْ بِهِ بُعَاةَ قَصْدِكَ عَوْجاً؛ وَ
به نیروی او کسانی را که از راه تو منحرف شده‌اند از میان بردار و
آن کسان را که صراط مستقیم تو را راه کج جلوه می‌دهند نابود
نمای.»^۲

۱. همان، فراز ۶۲.

۲. همان.

ه) تولی و تبری

«وَ الْإِنِّ جَانِبُهُ لِأَوْلِيَائِكَ، وَ ابْسُطْ يَدَهُ عَلَيَّ أَعْدَائِكَ، وَ هَبْ لَنَا رَأْفَتَهُ، وَ رَحْمَتَهُ وَ تَعَطُّفَهُ وَ تَحَنُّنَهُ؛ ای خداوند، ولی و امام خود را برای دوستانت قلبی مهربان و نرم عطا کن و دست قدرت او بر دشمنانت گشوده گردان و رأفت و رحمت و عطوفت و محبتش را نصیب ما گردان»^۱

«وَ هَبْ لَنَا رَأْفَتَهُ، وَ رَحْمَتَهُ وَ تَعَطُّفَهُ وَ تَحَنُّنَهُ؛ همکاری و نصرت خوبان، آن‌هم با مهربانی و محبت و دوری و جلوگیری از بدان نیز از شئون مرجعیت دینی برشمرده شده است و حتی در مراتب بالاتر این تبری به اجرای حدود و حتی محو ظالمان نیز تسری می‌نماید؛ «الْإِنِّ جَانِبُهُ لِأَوْلِيَائِكَ، وَ ابْسُطْ يَدَهُ عَلَيَّ أَعْدَائِكَ».

۲. ولایت اجتماعی امام

اقامه قسط و اجرای احکام و حدود الهی و رودروئی و مبارزه و سرکوب ظلم و فساد و گناه با اقدامات عملی، از شئون اجتماعی امام است. این به معنای مبسوط الید بودن امام و بدان معنی است که ولایت امر، در شعاع قدرت و حاکمیت و بسط ید، می‌تواند مردم را به راه و رسم بندگی خدا فرا خواند و به معروف جامه عمل بپوشاند و منکرات را محو و نابود سازد. تمامی این نکات از فراز «مِمَّنْ يَجْرِي ذَلِكَ بِهِ وَ عَلَيَّ يَدِيهِ»^۲ استخراج می‌گردد. زیرا که جریان امور را در دست امام می‌داند که در سایه قدرت و بسط ید امام میسر است و این همان ولایت اجتماعی است.

۱. همان، فراز ۶۳.

۲. همان، دعا ۴۸، فراز ۱۲.

مرجعیت سیاسی و حکومتی

«اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا الْمَقَامَ لِخُلَفَائِكَ وَ أَصْفِيَائِكَ وَ مَوَاضِعَ أَمْنَائِكَ فِي الدَّرَجَةِ الرَّفِيعَةِ الَّتِي اخْتَصَصْتَهُمْ بِهَا...؛ بار خدایا، این جایگاه، جای خلفای تو و برگزیدگان توست. و جایگاه رفیع امینان تو که آنان را بدان اختصاص داده‌ای...»^۱

«اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا الْمَقَامَ لِخُلَفَائِكَ وَ أَصْفِيَائِكَ»؛ مقام مورد اشاره محتمل است مقام خلافت و وصایت باشد، همان‌گونه که امکان دارد مقام اقامه جمعه و نماز عید باشد که در هر صورت این دو تفکیک‌ناپذیرند، زیرا اقامه جمعه و نماز عید از شئون خلافت و امامت حقه است، که ولی امر مسلمین خود بدان اقدام می‌کند و یا کسی را بدان منظور، تعیین و نصب می‌نماید. این مقام که از برای برگزیدگان خدا و امنای رحمان می‌باشد و درجه و منزلتی است بسیار رفیع، امری نیست که از انتخاب و اراده خدا خارج باشد، بلکه چیزی است که خداوند به بندگان ویژه خویش تخصیص داده و این از مسلمات اسلامی است، که در تشیع تبلور یافته است. اما به نظر می‌رسد که مقام مذکور، مقام امامت و خلافت باشد زیرا که؛ در تتمه همین فراز به آثاری اشاره شده که به جایگاه جمعه و عید قرابتی ندارد. امام علیه السلام در این دعا خلفاء و اصفیاء و امینان را به خدا نسبت داده و اختصاص آنها به این مقام را نیز از جانب خدا برشمرده است، از این مورد هم می‌توان فهمید که این همان مقام ائمه معصومین و امامان حقه در منظومه فکری شیعه است که در فرازهای دیگر نیز به آن اشاره شده است.^۲

۱. همان، فراز ۹.

۲. همان، دعا ۴۸، فراز ۱۲.

آثار دوری و انحراف از امام

آنچه گذشت، در شناخت ویژگی‌ها و وظایف امام بود. مطالعه آثار انحراف از امامت، به‌عنوان جریان راهبری در دین و جامعه، بایسته‌ای است که ضرورت آن بدیهی می‌نماید. امام زین‌العابدین علیه‌السلام نیز به این ضرورت در صحیفه‌ی الهی و عالیش پرداخته است.

«اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا الْمَقَامَ لِخُلَفَائِكَ وَأَصْفِيَائِكَ وَمَوَاضِعَ أَمْنَائِكَ فِي الدَّرَجَةِ الرَّفِيعَةِ الَّتِي اخْتَصَصْتَهُمْ بِهَا قَدْ ابْتَزَوْهَا، ... وَخُلَفَاؤُكَ مَغْلُوبِينَ مَقْهُورِينَ مُبْتَزِينَ، يَرُونَ حُكْمَكَ مُبَدَّلًا، وَكِتَابَكَ مَنْبُودًا، وَفَرَائِضَكَ مُحَرَّفَةً عَنِ جِهَاتِ أَشْرَاعِكَ، وَسُنَنَ نَبِيِّكَ مَتْرُوكَةً؛ بار خدایا، این جایگاه، جای خلفای تو و برگزیدگان توست. ولی جایگاه رفیع امینان تو را که آنان را بدان اختصاص داده‌ای دیگران بر بودند. ... پس برگزیدگان و خلفای تو مغلوب و مقهور شدند و حقشان از کف بشد. اکنون می‌نگرند که احکامات دگرگون شده و کتابت به یک سو افتاده و فرایض تو نه به روش تو به جای آورده می‌شود و سنت‌های پیامبرت متروک مانده است.»^۱

امام علیه‌السلام در پایان فراز به آثار غصب خلافت و امامت اشاره دارد که همانا دگرگونی احکام، انزوا و ترد و ترک قرآن، تحریف فرائض و ترک سنت‌های پیامبر از آثار آن می‌باشد. از همین فراز نیز فهمیده می‌شود که؛ تمام این موارد یعنی اجرای احکام و حفظ قرآن و فرائض و سنت‌های پیامبر، از شئون امام و مرجعیت سیاسی و دینی ایشان است.

۱. همان، فراز ۹.

آثار پذیرش امام

«فَهُوَ عِصْمَةُ اللَّائِدِينَ، وَكَهْفُ الْمُؤْمِنِينَ وَعُرْوَةُ الْمُتَمَسِّكِينَ، وَبَهَاءُ الْعَالَمِينَ؛ او نگهدار کسانی است که بدو پناه می‌برند و كهف امان مؤمنان است و حلقه اعتصام ایشان است و جلال و جلوه جهانیان است.»^۱

امام تکیه‌گاه مردم و سایه امن خدا و موجب آرامش دل‌ها و دستگیره ایمان مأموران است که اگر به او روی آورند از تشمت و تفرق و سردرگمی و حیرت در امان مانند.

الف) رستگاری

نجات‌بخشی و رستگاری دیگر نتیجه پیروی از امامان حق و حقیقت است؛ «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، كَمَا هَدَيْتَنَا بِهِ، وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، كَمَا اسْتَنْقَذْتَنَا بِهِ»^۲ که به حقیقت ایشان مایه نجات و رستگاری هستند که بر اثر هدایت ایشان و تبعیت ما دست‌یافتنی است.

ب) امامت مایه تقرب الهی و امان از شرور

آن‌که به حقیقت به جایگاه امامت نزد خداوند و آثار آن در عالم دنیا و آخرت آگاه باشد، ایشان را وسیله تقرب خویش به رضا و رضوان الهی و امان از آفات و شرور می‌داند؛

«اللَّهُمَّ فَإِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِالْمُحَمَّدِيَّةِ الرَّفِيعَةِ، وَالْعُلُوِّيَّةِ الْبَيْضَاءِ، وَ أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِهِمَا أَنْ تُعِيدَنِي مِنْ شَرِّ كَذَا وَ كَذَا؛ ای خداوند من، به تو

۱. همان، دعا ۴۷، فراز ۶۰.

۲. همان، دعا ۳۱، فراز ۳۰.

تقرب می‌جویم به مقام رفیع محمد و طریقت درخشان علی و به وسیله آن دو به تو روی می‌آورم که مرا از شر آن‌چه از آن به تو پناه آورده‌ام پناه دهی.»^۱

ج) نیل به شفاعت ایشان

از آثار و برکات پیروی امامان حق، برخوردار از مواهبی در دنیا و آخرت است. ایشان در روز قیامت دارای مقام شفاعت هستند؛ «تَشْفَعُ لَنَا». همان‌طور که در فرازی دیگر چنین آمده است؛
 «وَجَعَلْتَهُمُ الْوَسِيلَةَ إِلَيْكَ، وَ الْمَسْلَكَ إِلَى جَنَّتِكَ؛ و طریق رسیدن به مقام قرب خود و وصول به بهشت ساخته‌ای، تحیت و درود بفرست.»^۲

وظیفه مأمونین نسبت به امام

از دیگر موهبت‌های شناخت امام و جایگاه امامت، توجه به وظایف جامعه نسبت به این مراجع دینی و دنیوی است. امام سجاده علیه السلام که خود دارای این مقام والای الهی است به این ضروری جامعه پرداخته و مهم‌ترین وظایف امت را نسبت به این جایگاه و موهبت خدایی معرفی و عرضه کرده است.

۱. اطاعت از امام

در هندسه معرفتی شیعه، امامت تداوم راه نبوت و تکمیل آن مسیر آسمانی است. از همین رو تمامی ویژگی‌های نبوت، به‌جز وحی قرآنی، برای امامان نیز قابل اثبات و ادعاست.

۱. همان، دعا ۴۹ «وَ كَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي دِفَاعِ كَيْدِ الْأَعْدَاءِ، وَ رَدِّ بَأْسِهِمْ»، فراز ۱۶.
 ۲. همان، دعا ۴۷، فراز ۵۶.

«بِحَقِّ مَنْ أَنْتَجَبْتَ مِنْ خَلْقِكَ، وَبِمَنْ اصْطَفَيْتَهُ لِنَفْسِكَ، بِحَقِّ مَنْ اخْتَرْتَ مِنْ بَرِيَّتِكَ، وَ مَنْ اجْتَبَيْتَ لِشَانِكَ، بِحَقِّ مَنْ وَصَلَتْ طَاعَتُهُ بِطَاعَتِكَ، وَ مَنْ جَعَلَتْ مَعْصِيَتَهُ كَمَعْصِيَتِكَ، بِحَقِّ مَنْ قَرَنْتَ مُوَالَاتَهُ بِمُوَالَاتِكَ، وَ مَنْ نُطِئَتْ مُعَادَاتُهُ بِمُعَادَاتِكَ، تَعَمَّدَنِي فِي يَوْمِي هَذَا بِمَا تَتَعَمَّدُ بِهِ مَنْ جَارَ إِلَيْكَ مُتَنَصِّلاً، وَ عَاذَ بِاسْتِغْفَارِكَ تَائِباً؛ بار خدایا، تو را سوگند می‌دهم به آن که از میان خلق او را برگزیده‌ای، به آن که او را برای خود پسندیده‌ای، به آن که از میان آفریدگانت او را اختیار کرده‌ای، به آن که او را برای خود برگزیده‌ای، به آن که طاعت او را به طاعت خود پیوسته‌ای و معصیت او را معصیت خود دانسته‌ای و دوستی‌اش به دوستی خود قرین ساخته‌ای و دشمنی‌اش را دشمنی خود شمرده‌ای، در این روز مرا چونان کسانی که از گناه بیزاری جسته‌اند و به تو پناه آورده‌اند و توبه کرده و به آمرزش تو پیوسته‌اند خلعت عفو و رحمت خود بپوشان.»^۱

امام سجاده علیه السلام با بیان ویژگی‌هایی که خداوند برای برگزیدگان خویش برشمرده، جامعه را به سوی توجه بیشتر به این ویژگی‌ها دعوت نموده و مهمترین این ویژگی‌ها در عرصه عملی برای جامعه، اطاعت از ایشان که اطاعت خدا و عدم معصیت ایشان که اطاعت شیطان است، می‌باشد؛ «بِحَقِّ مَنْ وَصَلَتْ طَاعَتُهُ بِطَاعَتِكَ، وَ مَنْ جَعَلَتْ مَعْصِيَتَهُ كَمَعْصِيَتِكَ» و این اطاعت و معصیت در سایه تصدیق این جایگاه، معنی می‌یابد، همان‌طور که در صحیفه سجاده‌ایه نیز بدان اشاره شده است؛

«اللَّهُمَّ وَ اجْعَلْنِي مِنْ أَهْلِ التَّوْحِيدِ وَ الْإِيمَانِ بِكَ، وَ التَّصَدِيقِ

۱. همان، فراز ۸۶.

بِرَسُولِكَ، وَالْأَيُّمَةَ الَّذِينَ حَتَمْتَ طَاعَتَهُمْ مِمَّنْ يَجْرِي ذَلِكَ بِهِ وَعَلَى يَدَيْهِ، آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ؛ بار خدایا، مرا از کسانی قرار ده که تو را به یکتایی می‌پرستند و به تو ایمان آورده‌اند و پیامبرت را تصدیق کرده‌اند و امامان را به پیشوایی پذیرفته‌اند امامانی که اطاعتشان را فریضه ساخته‌ای و ایمان به تو و تصدیق به رسول تو به دست ایشان اجرا می‌شود. آمین رب العالمین.^۱

و این تصدیق به جایگاه الهی امامان و اطاعت از ایشان به امر خداوند، جامعه را به منزل‌گاهی می‌رساند که در راه اطاعت و استماع امام از خدا نیز یاری بطلبند؛

«وَاجْعَلْنَا لَهُمْ سَامِعِينَ وَ مُطِيعِينَ كَمَا أَمَرْتَ؛ و چنان‌که خود فرمان

داده‌ای ما را نپوشنده سخن ایشان و فرمانبردار حکم ایشان قرار ده.»^۲

۲. یاری امام

از دیگر وظایف جامعه اسلامی در مقابل امام نصرت و نزدیکی با ایشان است؛

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اجْعَلْنِي لَهُمْ قَرِينًا، وَ اجْعَلْنِي لَهُمْ

نَصِيرًا، وَ اٰمِنُنْ عَلٰى شَوْقِ اِلَيْكَ، وَ بِالْعَمَلِ لَكَ بِمَا تُحِبُّ وَ تَرْضٰى، اِنَّكَ

عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، وَ ذَلِكَ عَلَيْكَ يَسِيرٌ؛ بار خدایا، بر محمد و

خاندانش درود بفرست و مرا همدم ایشان ساز و مرا یاور ایشان

گردان و بر من منت نه و شوق خود در دل من افکن و به کاریم بر

۱. همان، دعا ۴۸، فراز ۱۲.

۲. همان، دعا ۳۴، فراز ۵.

گمار که تو اش دوست بداری و تو از آن خشنود شوی، که تو بر هر کاری توانایی، و این امر برای تو آسان است.»^۱

الف) جلب خشنودی امام و دفاع از حریم ایشان

در بیان دعاهای صحیفه، به گونه ضمنی، ارزش‌های رهبری در مدیریت نیروی انسانی و جامعه اسلامی یادآوری شده و تلاش در جهت جلب رضایت امامان بر حق و دفاع از حریم ایشان را وظیفه جامعه دینی و مایه تقرب الهی و از مصادیق بارز یاری امام برشمرده است؛

«وَ الْإِنِّ جَانِبُهُ لِأَوْلِيَائِكَ، وَ ابْسُطْ يَدَهُ عَلَيَّ أَعْدَائِكَ، وَ هَبْ لَنَا رَأْفَتَهُ، وَ رَحْمَتَهُ وَ تَعَطُّفَهُ وَ تَحَنُّنَهُ، وَ اجْعَلْنَا لَهُ سَامِعِينَ مُطِيعِينَ، وَ فِي رِضَاهُ سَاعِينَ، وَ إِلَيَّ نُصْرَتِهِ وَ الْمُدَافَعَةَ عَنْهُ مُكْنِفِينَ، وَ إِلَيْكَ وَ إِلَيَّ رَسُولِكَ - صَلَوَاتِكَ اللَّهُمَّ عَلَيْهِ وَ آلِهِ - بِذَلِكَ مُتَقَرِّبِينَ؛ ای خداوند، ولی و امام خود را برای دوستان قلبی مهربان و نرم عطا کن و دست قدرت او بر دشمنان گشوده گردان و رأفت و رحمت و عطوفت و محبتش را نصیب ما گردان و ما را از نیشندگان و فرمان‌برداران امر او قرار ده و چنان کن که در راه رضای او سعی کنیم و یاری‌اش نماییم و مدافع او در برابر دشمنش باشیم و این سبب تقرب ما به تو و رسول تو - صلواتک علیه و آله - گردد.»^۲

ب) دعا در یاری امام

اطاعت و یاری امام، به دوستی با دوستان و دشمنی با دشمنان ایشان

۱. همان، دعا ۲۱، «وَ كَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا حَزَنَهُ أَمْرٌ وَ أَهَمَّتْهُ الْخَطَايَا»، فراز ۱۳.

۲. همان، دعا ۴۷، فراز ۶۳.

می‌انجامد. این دوستی و دشمنی در عرصه تعاملات اجتماعی به اقدامات عملی و عقیدتی و فکری بسنده نگردیده و به خواهشی در قالب دعا نیز سرایت خواهد کرد. از جلوه‌های یاری امام دعا در حق ایشان و دوستان و پیروان ایشان است؛

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ، كَسَلُوا نَبِيَّكَ وَ بَرَكَاتِكَ وَ تَحِيَّاتِكَ عَلَى أَصْفِيَاءِكَ إِبْرَاهِيمَ وَ آلِ إِبْرَاهِيمَ، وَ عَجَّلِ الْفَرَجَ وَ الرُّوحَ وَ النُّصْرَةَ وَ التَّمَكِينَ وَ التَّأْيِيدَ لَهُمْ؛ بار خدایا، بر محمد و خاندانش درود بفرست، که تویی خداوند ستوده صاحب مجد و عظمت. و آن سان که به اصفیای خود ابراهیم و آل ابراهیم درود فرستادی، برکات و تحیات خویش بر محمد و آل محمد ارزانی دار. و در گشایش و آسایش و یاری کردن و تسلط بخشیدن و تأییدشان تعجیل فرما.»^۱

عامل تمامی ستم‌ها و بیدادها و تحریف‌ها و بدعت‌ها، در تاریخ اسلام حکومت‌های غاصب بودند و عوامل‌شان و کسانی که سر به خط فرمان آن‌ها نهاده و در امضای اعمال و رفتار آنان راه سکوت و سازش پیش گرفتند و به همین دلیل است که مستوجب لعنت‌ها و نفرین‌های همیشگی هستند که امام سجاده علیه السلام بر آن تاکید و اصرار ورزیده است.

این برائت و نفرت، بخشی از ایمان و ملازم با تعهد مومنان است. آن کس که راضی به اعمال بیدادگران باشد، شریک عمل آنان است و هر آن کس که از آنان برائت جوید، راه سعادت پیموده است. حبّ و بغض، تولّی و تبرّی، دو اصل ایمانی هستند. این حقیقت مرز زمانی، مکانی و نژادی و جغرافیایی نمی‌شناسد، بلکه اولین و آخرین انسان‌ها در همه اعصار و اقطار عالم را شامل می‌گردد. امام علیه السلام نیز به این اصل توجه داشته و توجه می‌دهد.

۱. همان، دعا ۴۸، فراز ۱۱.

«اللَّهُمَّ الْعَنِ أَعْدَاءَهُمْ مِنَ الْأَوْلِيَيْنِ وَالْآخِرِينَ، وَمَنْ رَضِيَ بِفِعَالِهِمْ وَأَشْيَاعِهِمْ وَاتَّبَاعَهُمْ؛ بَارِ خَدَايَا، لعنت کن دشمنان ایشان را از اولین و آخرین، و لعنت کن هر کس را که به اعمال آنان رضا می‌دهد و لعنت کن اتباع و پیروان ایشان را.»^۱

۳. زیارت ایشان

از دیگر وظایف جامعه در برابر امام؛ زیارت ایشان در زمان حیات که بیانی دیگر از مرجعیت ایشان است، می‌باشد. در دوره بعد از حیات نیز زیارت قبور ایشان، دارای آثار و موهبات دنیوی و اخروی است که در عالم آخرت می‌توان بدان بهره‌مند گردید؛

«اللَّهُمَّ وَامْنُ عَلَيَّ بِالْحَجِّ وَالْعُمْرَةِ، وَزِيَارَةِ قَبْرِ رَسُولِكَ، صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَرَحْمَتُكَ وَبَرَكَاتُكَ عَلَيْهِ وَعَلَى آلِهِ، وَآلِ رَسُولِكَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي فِي عَامِي هَذَا وَفِي كُلِّ عَامٍ، وَاجْعَلْ ذَلِكَ مَقْبُولًا مَشْكُورًا، مَذْكُورًا لَدَيْكَ، مَذْخُورًا عِنْدَكَ؛ ای خداوند، بر من احسان نمای به اعطای نعمت ادای حج و عمره و زیارت قبر پیامبرت - صلوات تو و رحمت تو و برکات تو بر او و آتش باد- و زیارت خاندان پیامبرت - بر ایشان سلام باد- همواره تا هرگاه که مرا زندگی بخشیده‌ای در این سال و هر سال دیگر، زیارتی که مقبول و مشکور تو افتد و تو را در نظر آید و در نزد تو ذخیره روز بازپسین باشد.»^۲

۱. الصحیفه السجادیه، دعا ۴۸، فراز ۱۰.

۲. همان، دعا ۲۳، «وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا سَأَلَ اللَّهَ الْعَافِيَةَ وَشُكْرَهَا»، فراز ۴.

۴. دعا در حق ایشان

دعا در حق امام و یا امامان، دارای آثار دنیوی و اخروی است و در سعادت نقش آفرین است، همانطور که امام در فرازهایی از دیگر دعاهایشان به آن پرداخته‌اند؛

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ، وَ أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ، وَ اَخْصُصْهُمْ بِأَفْضَلِ صَلَوَاتِكَ وَ رَحْمَتِكَ وَ بَرَكَاتِكَ وَ سَلَامِكَ؛ بار خدایا، درود بفرست بر بندهات و پیامبرت محمد و خاندان او که همه پاکانند. و برترین صلوات خود و رحمت خود و برکات و سلام خود، خاص آنان گردان.»^۱

«وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، صَلَاةً دَائِمَةً نَامِيَةً لَا انْقِطَاعَ لِأَبْدِهَا وَ لَا مُنْتَهَى لِأَمْدِهَا، وَ اجْعَلْ ذَلِكَ عَوْنًا لِي وَ سَبَبًا لِنَجَاحِ طَلِبَتِي، إِنَّكَ وَاسِعٌ كَرِيمٌ؛ بر محمد و خاندان او درود بفرست، درودی پیوسته و دم افزون و بی انقطاع و ابدی. و این درود را یاور من ساز و وسیله برآمدن حاجتم گردان، که تو فراخ نعمت و بخشنده‌ای.»^۲

«اللَّهُمَّ فَأَوْزِعْ لَوْلِيكَ شُكْرَ مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ، وَ أَوْزِعْنَا مِثْلَهُ فِيهِ، وَ آتِهِ مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا، وَ افْتَحْ لَهُ فَتْحًا يَسِيرًا، وَ أَعِنُّهُ بِرُكْنِكَ الْأَعَزِّ، وَ اشْدُدْ أَرْزُهُ، وَ قَوِّ عَضُدَهُ، وَ رَاعِهِ بِعَيْنِكَ، وَ احْمِهِ بِحِفْظِكَ وَ انصُرْهُ بِمَلَأَيْكَتِكَ، وَ امدُدْهُ بِجُنْدِكَ الْأَغْلَبِ؛ بار خدایا، به ولی خود الهام نمای که شکر نعمتی را که به او ارزانی داشته‌ای به جای آرد و ما را نیز الهام ده که شکر نعمت هدایت او به جای آریم و او را از جانب خود سلطه و توانایی ده و به آسانی راه پیروزی بر او بگشای و به نیرومندترین ارکان قدرت خود یاری‌اش فرمای و پشتش محکم و

۱. همان، دعا ۲۴، «وَ كَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِأَبْوَيْهِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ»، فراز ۱.

۲. همان، دعا ۱۳، «وَ كَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي طَلْبِ الْخَوَاتِجِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى»، فراز ۲۴.

بازوانش توانا گردان و زیر نظر مراقبت خویش قرار ده و در سایه حفظ خود حفظش نمای و به ملائکه خود یاری اش ده و به لشکر پیرومند خود مددش رسان.»^۱

ویژگی‌های پیروان و یاران امام

کسانی که به یاری ائمه و به پیروی از ایشان، مفتخر شده‌اند بر اثر این پیروی و همراهی، تربیتی ویژه می‌یابند. این تربیت، چنان بر جان یاران و مشتاقان امامان اثر گذاشته که ویژگی‌هایی را در ایشان نهادینه ساخته که می‌توان آنان را به این ویژگی‌ها شناخت؛

«اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَىٰ أَوْلِيَائِهِمُ الْمُعْتَرِفِينَ بِمَقَامِهِمْ، الْمُتَّبِعِينَ مِنْهُمْ، الْمُقْتَفِينَ آثَارَهُمْ، الْمُسْتَمْسِكِينَ بِعُرْوَتِهِمْ، الْمُتَمَسِّكِينَ بَوْلَايَتِهِمْ، الْمُؤْتَمِنِينَ بِإِمَامَتِهِمْ، الْمُسْلِمِينَ لِأَمْرِهِمْ، الْمُجْتَهِدِينَ فِي طَاعَتِهِمْ، الْمُنتَظِرِينَ أَيَّامَهُمْ، الْمَادِّينَ إِلَيْهِمْ أَعْيُنَهُمْ، الصَّلَوَاتِ الْمُبَارَكَاتِ الرَّكَائِيَاتِ النَّامِيَاتِ الْعَادِيَاتِ الرَّائِحَاتِ؛ بار خدایا، تحیت و درود بفرست دوستان ایشان را: آن اعتراف کنندگان به مقام و منزلت ایشان، آن پیروی کنندگان راه ایشان، آن پای نهندگان به جای پای ایشان، آن چنگ زندگان به رشته آیین ایشان، آن تمسک جویان به دوستی ایشان، آن پذیرندگان پیشوایی ایشان، آن تسلیم شوندگان به فرمان ایشان، آن کوشندگان در طاعت ایشان، آن منتظران دولت ایشان و آن چشم به راهان ظهور ایشان. تحیت و درودی مبارک پاکیزه، فزاینده، در هر بامداد و هر شبانگاه.»^۲

با توجه به مضمون دعای بالا این ویژگی‌ها را برای یاران و پیروان امام برشمرد؛

۱. اقرار و اعتراف به مقامات و ارزش‌های معنوی که خدا به امام داده و

۱. همان، دعا ۴۷، فراز ۶۱.

۲. همان، دعا ۴۷، فراز ۶۴.

- پیمودن راه و روش آن‌ها.
۲. تبعیت از آثار و روایات و سیره و سنت ایشان.
 ۳. تمسک به ولایت ایشان که ادامه ولایت خدا و پیامبر و جدایی از ولایت طاغوت و شیطان است.
 ۴. جد و جهد و تلاش دائم در اطاعت ایشان در کلیه ابعاد عبادی، اخلاقی، سیاسی و غیره.
 ۵. انتظار دولت حقه ایشان بودن.

نتیجه

از شیوه‌های تبلیغی و مبارزاتی امام سجاد علیه السلام تبیین معارف اسلام در قالب دعا است. یکی از مضامین مهم سیاسی - دینی صحیفه، طرح مسئله امامت است. مفهوم امامت به صورت یک مفهوم شیعی، علاوه بر جنبه‌ی احقیقت برای خلافت و رهبری، جنبه‌های الهی عصمت و بهره‌گیری از علوم الهی و انبیاء را در حدی والا نشان می‌دهد. بازکاوری مفهوم امامت در صحیفه‌ی سجادیه از دو سو حائز اهمیت است از یک سو معرفت حقیقی به امام جز از راه امام ممکن نمی‌باشد و از سویی دیگر نیاز هر چه بیشتر ما به شناخت جایگاه امامت امام است. ضرورت وجود و تداوم امام، در برقراری ارتباط فیض بین خداوند و خلق و برای تبیین و صیانت دین، در کلام صحیفه بیان شده است.

ویژگی‌هایی چون؛ انتصاب الهی، عصمت و علم برای مقام امام، برشمرده شده است. وظایف امام در مرجعیت دینی و اجتماعی در بردارنده وظایفی متقابل برای جامعه در اطاعت، یاری و دوستی امامان حق است. ویژگی‌های یاران امام نیز در انتظار و اطاعت و پیروی و اعتراف به مقام ایشان و تمامی آنچه گذشت، در طول این مقاله با نگاهی تحلیلی - توصیفی و از میان بیانات سید ساجدین علیه السلام استخراج و دسته‌بندی گردید.